

شکایت حقوقی سنگین علیه!ینفانتینوو چفرین درباره کشتار در غزه

آزمون عدالت

فوتبال، سال‌ها تلاش کرده خود را فراتر از سیاست معرفی کند؛ زبانی جهانی که مرز نمی‌شناسد اما حالا همان نهادهایی که مدعی بی‌طرفی بودند، در قلب یک پرونده

حقوقی قرار گرفته‌اند که می‌تواند تصویر آنها را برای همیشه تغییر دهد. جینی اینفانتینوو و الکساندر چفرین، ۲ چهره‌ای که در رأس هرم فوتبال جهان و اروپا ایستاده‌اند اکنون با اتهامی روبرو شده‌اند که هیچ ارتباطی با زمین مسابقه ندارد، بلکه مستقیماً به مفاهیمی چون جنگ، مسؤولیت و عدالت گره خورده است. بر اساس گزارشی که روزنامه ورزشی فرانسوی اکسپر منتشر کرده، یک پرونده حقوقی مفصل علیه رئیس فیفا و رئیس یوفا در دادگاه کفبری بین‌المللی ثبت شده است. این پرونده که در قالب سندی در بیش از ۱۰۰ صفحه تنظیم شده، آنها را به مشارکت غیرمستقیم در جنایات مرتبط با سرزمین اشغالی فلسطین متهم می‌کند؛ اتهامی که اگر چه هنوز در مرحله بررسی است اما از همین حالا توجه گسترده افکار عمومی را به خود جلب کرده است.

■ **سکوت جنایت‌بار**

یکی از محورهای اصلی این شکایت، به نحوه برخورد نهادهای فوتبال با بحران‌های مختلف بازمی‌گردد. شاکیان معتقدند استانداردهای دوگانه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. آنها به این موضوع اشاره کرده‌اند که در جریان جنگ روسیه و اوکراین، فیفا و یوفا فقط ظرف چند روز، فوتبال روسیه را از حضور در رقابت‌های بین‌المللی محروم کردند اما در شرایطی که زیرساخت‌های ورزشی در مناطق فلسطینی آسیب دیده و شمار زیادی از ورزشکاران جان خود را از دست داده‌اند، چنین تصمیمی درباره اسرائیل اتخاذ نشد. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده در این پرونده، صدها ورزشکار فلسطینی در سال‌های اخیر شهید و بسیاری از امکانات ورزشی نیز نابود شده‌اند. با این حال، باشگاه‌های صهیونیستی همچنان اجازه حضور در مسابقات رسمی را دارند. این موضوع، به باور شاکیان، نشان‌دهنده بی‌تفاوتی ساختاری از سوی مدیران فوتبال جهانی است.

■ **اتلافی برای پیگیری عدالت**

این شکایت تنها از سوی یک نهاد یا گروه خاص مطرح نشده است. مجموعه‌ای از سازمان‌های ورزشی و حقوق بشری، از جمله نهادهای فعل در ایرلند و اسکاتلند، همراه با گروه‌های مدافع حقوق بشر و برخی بازیکنان و باشگاه‌های فلسطینی، در تنظیم این پرونده نقش داشته‌اند. این ائتلاف تلاش کرده با ارائه مستندات، توجه دادگاه را به «نقض اصول انسانی در چارچوب فوتبال» جلب کند. در متن این شکایت، به موضوع برگزاری مسابقات در مناطقی اشاره شده که از نظر حقوق بین‌الملل مورد اختلاف هستند. همچنین انتقاد شده ساختارهای مدیریتی فوتبال اروپا و جهان، با ادامه همکاری با برخی باشگاه‌ها، عمداً شرایطی را ایجاد کرده‌اند که این روند بدون تغییر ادامه یابد.

■ **فوتبال در آستانه یک آزمون تاریخی**

آنچه این پرونده را متفاوت می‌کند، تنها محتوای آن نیست، بلکه پیامدهای احتمالی آن است. برای نخستین‌بار، مدیران ارشد فوتبال جهان در چنین سطحی با چالش حقوقی روبرو شده‌اند. حتی اگر این پرونده به محکومیت منجر نشود، خود مطرح شدن آن، پرسش‌های مهمی را درباره نقش و مسؤولیت نهادهای ورزشی ایجاد کرده است. فیفا و یوفا که همواره خود را حافظ ارزش‌های حقوق بشر معرفی کرده‌اند، اکنون در موقعیتی قرار دارند که باید از تصمیمات و عملکرد خود دفاع کنند. این پرونده، صرفاً یک دعوی حقوقی نیست؛ آزمونی است برای اعتبار ساختارهایی که ادعا می‌کنند فوتبال را نمایندگی می‌کنند. در نهایت، نتیجه هرچه باشد، یک واقعیت روشن است: فوتبال دیگر نمی‌تواند خود را کاملاً جدا از جهان اطرافش تعریف کند. زمانی که توپ می‌چرخد، همه چیز به نظر ساده می‌آید اما بیرون از زمین، واقعیت‌ها پیچیده‌تر از آن است که بتوان آنها را نادیده گرفت.

اخبار

رکورد تاریخی استقلال در بی‌ثباتی با فرد اشتباهی هر ۴۵ روز یک سرمربی!

باشگاه استقلال تحت مدیریت علی تاجرنیا رکوردی منفی، بی‌سابقه، بی‌فایده و عجیب در در بی‌ثباتی روی نیمکت بر جا گذاشت. به گزارش فارس، از یک سال پیش که تاجرنیا، آثار این باشگاه را به عهده گرفت، نیمکت تیم در عدم ثبات، روند بی‌سابقه و بی‌نتیجه‌ای را ثبت کرده است. پیتسو موسیماه، سهراب بختیاری‌زاده، محمد نوازی، میودراگ بوزوویچ، مجتبی جباری، ریکاردو ساینتنو و وریا غفوری از بهمن سال قبل که پای تیم مدیریتی حال حاضر به باشگاه استقلال پای‌هاز شد، هدایت اِبی‌ها را به عهده داشته‌اند و حالا این رکورد به عدد ۸ رسید. غفوری در بازی با مس رفسنجان روی نیمکت استقلال نشست و با توجه به انتخاب دوباره سهراب بختیاری‌زاده تا پایان فصل، باشگاه استقلال قادر فنی به ثبت رسانده است. قاعدتاً بدون وجود ثبات، انتظار کسب نتیجه مطلوب چندان منطقی نیست اما گویا مدیران استقلال اعتقاد چندانی به این قانون نانوشته ندارند و موفقیت را فقط در لحظه می‌بینند. با شاهکارهای نامام یک فرد سیاسی که اشتباهی وارد ورزش شده، استقلال در یک سال ۸ سرمربی به خود دیده؛ هر یک ماه و نیم یک نفر! ■■■

پافشاری حسین عبدی بر کناره‌گیری از تیم ملی جوانان

با وجود جلسه با رئیس فدراسیون فوتبال، حسین عبدی تمایلی به ادامه حضور در تیم ملی جوانان ندارد. به گزارش نسیم، عبدی که به‌تازگی بار دیگر به‌عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال جوانان ایران انتخاب شده، از سمت خود کناره‌گیری کرد، این در شرایطی است که تیم جوانان طبق برنامه‌ای که این مربی در اختیار فدراسیون گذاشته بود اردوهای خود را پشت سر گذاشته است و فدراسیون نیز خواسته‌های عبدی را برآورده کرده است؛ با این حال این مربی به دلایل نامعلوم استعفا کرد.



بنیا فرید

به سمت صدر اما استقلال مأموریتش را بی‌نقص انجام داد و با ۳ امتیاز حیاتی به تهران بازگشت.

بر کناری ریکاردو ساینتنو شوکی جدی به اردوگاه استقلال وارد کرد. مرد پرتغالی با امید بازگرداندن جام به ویترن باشگاه آمده بود و با فهرستی بره‌زین، انتظارات را بالا برد اما نوسان‌های پیاپی در نتایج، فرصت‌های از دست‌رفته برای صدرنشینی و حذف از لیگ قهرمانان آسیا ۲، صبر مدیران را لبریز کرد. تصمیم گرفته شد مسیر عوض شود.

آزمون، تقابل با مس رفسنجان قرن‌نشین بود. دیداری بی‌سرون از خانه در حالی که استقلال پیش از آن هم در بازی‌های خارج از تهران آمار امیدوارکننده‌ای نداشت. ۵ مسابقه قبل را مرور کنید؛ فقط یک پیروزی در کارنامه دیده می‌شود. چنین پیشینه‌ای فشار مضاعفی وارد می‌کرد. با این حال، استقلال اجازه نداد کار به اما و اگر کشیده شود و با تک گل منیر کار را تمام کرد.

این پیروزی تنها ۳ امتیاز ساده نبود؛ جهشی بود به رتبه نخست جدول. استقلال با ۲۸ امتیاز بالاتر از تراکتور ایستاد و نکته مهم‌تر اینکه نسبت به بیشتر مدعیان یک بازی کمتر دارد. همین یک مسابقه موقه می‌تواند در هفته‌های آینده نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت قهرمانی ایفا کند. حالا ابتکار عمل در دست آبی‌هاست و اگر لغزشی رخ ندهد، مسیر برای تثبیت جایگاه‌شان هموار تر خواهد شد.

استقلال پس‌اسپینتو در رفسنجان نشان داد هنوز ظرفیت قهرمانی دارد. شاید نمایشش چشم‌نواز نبود اما در مقطع فعلی نتیجه مهم‌تر از هر چیز دیگری است. تیمی که در گرداب تغییرات گرفتار شده بود، توانست از یک عصر گذار عبور کند و صدر جدول را تصاحب کند.

هدیه‌ای که استقلال به هواداران خود داد، بیش از یک پیروزی ساده بود؛ پیامی بود مبنی بر اینکه این تیم حتی در توفان هم می‌تواند مسیریش را پیدا کند. حالا ادامه راه سابی به سهراب بختیاری‌زاده سپرده می‌شود.

■ **بازگشت ستاره گمشده در شب صدرنشینی**

استقلال در ششی که بیش از هر زمان دیگری به آرامش احتیاج داشت، به رفسنجان رفت و بادست پر پرگشت. مسابقه‌ای

مأموریت رفسنجان با موفقیت انجام شد

صدر آبی



این گل برای منیر صرفاً یک آمار تازه نبود؛ پایان یک دوره طولانی انتظار بود. بازیکن اسبق بارسلونا آخرین بار در هفته نهم برابر آلومینیوم از اک گل زده بود؛ جایی که روی ارسال علیرضا خوشکی در حوالی ۶ قدم با ضربه سر موفق شد نامش را روی اسکوربورد ثبت کند. از شب تهران تا شب رفسنجان، ۱۱۴ روز سیری شد؛ روزهایی که برای بازیکنی با سابقه بازی در پارسا،

بیش از حد طولانی به نظر می‌رسید.

دیدار با مس رفسنجان برای استقلال صرفاً یک بازی عادی هفته بیست‌ودوم نبود. آنها باید ثابت می‌کردند دوران پس‌اسپینتو آغاز یک سرآشینی تازه نیست، برابر تیمی که در قعر جدول دست‌وپا می‌زد، هر لغزشی می‌توانست فشار مضاعفی بر پیکر نیمه‌آرام استقلال وارد کند اما در لحظه‌ای که بازی گره خورده بود، منیر تصمیم گرفت روایت را تغییر دهد.

ستاره مراکشی که ماه‌ها زیر تیغ نقد هواداران و کارشناسان قرار داشت، این بار نه با حرکات نمایشی، بلکه با یک تصمیم قاطع حرفش را زد. توپ را پشت محوطه جریمه گرفت، زاویه

را سنخید و شوتی رها کرد که پیام پارسا فقط نظاره‌گرش بود.

گلی که نه از اشتباه دروازه‌بان، بلکه از کیفیت بالای اجرا متولد

شد. آن توپ، مسیر خودش را به گوشه دروازه پیدا کرد.

که می‌توانست زبر سایه حواشی جدایی ریکاردو ساینتنو کم شود، با ضربه‌ای سه‌مگین از منیر حدادی به نقطه عطفی برای آبی‌ها تبدیل شد. یک شلیک دقیق، یک پاک تماشایی و ۳ امتیاز طلایی؛ همین ۳ عنصر کافی بود تا تیم پایتخت موقتاً بر بام جدول لیگ برتر بایستد.

دیدار با مس رفسنجان برای استقلال صرفاً یک بازی عادی هفته بیست‌ودوم نبود. آنها باید ثابت می‌کردند دوران پس‌اسپینتو آغاز یک سرآشینی تازه نیست، برابر تیمی که در قعر جدول دست‌وپا می‌زد، هر لغزشی می‌توانست فشار مضاعفی بر پیکر نیمه‌آرام استقلال وارد کند اما در لحظه‌ای که بازی گره خورده بود، منیر تصمیم گرفت روایت را تغییر دهد.

ستاره مراکشی که ماه‌ها زیر تیغ نقد هواداران و کارشناسان قرار داشت، این بار نه با حرکات نمایشی، بلکه با یک تصمیم قاطع حرفش را زد. توپ را پشت محوطه جریمه گرفت، زاویه را سنخید و شوتی رها کرد که پیام پارسا فقط نظاره‌گرش بود. گلی که نه از اشتباه دروازه‌بان، بلکه از کیفیت بالای اجرا متولد شد. آن توپ، مسیر خودش را به گوشه دروازه پیدا کرد.

«استقلال در صدر» به سهراب رسید

مسؤولیت بزرگ

کند اما بختیاری‌زاده باید یک خانه‌تکانی اساسی هم در کادر فنی انجام دهد. او باید علاوه بر حضور دستیار یا دستیاران خارجی، از مربیان ایرانی توانمند و در حد نیمکت استقلال هم دعوت به کار کند؛ مربیانی که به معنای واقعی چشم و گوش و عصای دستش باشند، نه صرفاً افرادی نیمکت پرکن. بارها گفته‌ایم زمان ساینتنو، چنین خلأیی روی نیمکت آبی‌پوشان بشدت نمایان بود. دستیاران سهراب بختیاری‌زاده باید علاوه بر توانایی و کارآمدی، همگون و هماهنگ نیز باشند؛ اگر نه باید شاهد حواشی و به نوعی جنگ قدرت جدید روی نیمکت باشیم. بختیاری‌زاده در حالی سرمربی استقلال شده است که شرایط این تیم نسبت به نخستین و دومین حضور وی در فصل قبل، بسیار متفاوت است؛ اینک استقلال در ۲ جام مدعی است و این مربی باید کاملاً بدین مسأله واقف باشد و متناسب با آن، انتخاب، برنامه‌ریزی و کار کند. با گروهی ضعیف نمی‌توان در این ۲ جبهه به موفقیت رسید. بختیاری‌زاده باید بداند هرچند استقلال به لحاظ نفرت نسبت

به سال قبل غنی‌تر است و از این بابت خیالش آسوده‌تر ولی این تیم هنوز مشکلاتی دارد که رفع جدی آنها از اساسی‌ترین بایدها و موارد حصول توفیق است. او اگر می‌خواهد در این عرصه دوام بیاورد، موفق شود و وجهه مطلوبی برای آینده شغلی خویش کسب کند، باید از همین ابتدا اسرور و ربربایستی‌ها نشود و در حد مسؤولیت همش ببندیش‌کار کند. نوع انتخاب‌ها، برنامه‌ریزی و میزان تلاش، مرز بین ماندگاری یا هوشدن سرمربی جدید استقلال در پایان فصل است و باز باید بدانند فرق بین شرح وظایفش در این استقلال با استقلال فصل قبل از زمین تا آسمان است.



تیمی است که نام ایران را یدک می‌کشد؛ تیمی که بازیکنانش فرزندان همین خاکند، با همه اختلاف‌نظرها و نقدها. فوتبال، میدان تسویه‌حساب نیست. می‌توان فدراسیون را نقد کرد، می‌توان سرمربی را زیر سؤال برد اما آرزوی فشار و تحقیر برای تیمی که قرار است در ویترن چین بازی کند، مرزی است که از نقد عبور می‌کند. از شرف می‌گذرد؛ ملیت را لگد می‌کند، آسانسرت را مسخ می‌کند. جز یک ایرانی بودن چه چیزی را با خودشان به آن سو برندند که اینچنین آرزوی کباب هموطن را می‌کنند؟

آنچه شنیدیم، حرف تازه‌ای نبود اما بی‌پرده بود. «فضای چهنمی»، «باخت – باخت»، «کباب شدن»، «واژه‌هایی که اگر قرار است در تاریخ این روزها ثبت شود، باید کنارشان نوشت. اینها تحلیل نبود، رؤیای تقابل بود.

«کباب‌شان کنید»؛ نسخه‌ای برای جام جهانی

اینترنشنال ورؤیای جهنم

کلمه‌ها کم نمی‌شود. وقتی می‌گویی «جان سالم به در نمی‌برید»، دیگر از تاکتیک و ۲-۳-۴ حرف نمی‌زنی؛ از ترس و تقابل می‌گویی. این لحن، بیشتر از آنکه نقد فنی باشد، القای تهدید است.

پیش‌تر هم از همین تریبون، درباره ورزشگاه‌های ایران حرف‌هایی زده شد که اگر «جذب خورد»، مقصرش استفاده نظامی است؛ گزاره‌ای سنگین و شگفت‌انگیز که بوی توجیه می‌داد. حالا هم نسخه تازه پیچیده می‌شود: جهنم بسازید، کباب کنید. خطی که از امروز دنبال می‌شود، خط تحقیر

پرسپولیس میان تردید، تصمیم و شایعه

در مه بحران

در هر بازی چهره‌ای تازه و بی‌ثبات پیدا می‌کند، یعنی سرمربی هنوز به نسخه نهایی نرسیده. تجربه سرمربیگری اوسمار نسبت به سال‌های دستیاریش کمتر است و نیم‌فصل دوم نشان داد در بزنگاه‌های سخت هنوز به آن پختگی نهایی نرسیده است.

■ **خلأیی به نام خلایق**

پرسپولیس امروز یک مشکل ساختاری دارد که نمی‌توان آن را پشت شایعه و حاشیه پنهان کرد؛ نبود یک هافبک خلاق دوم. تیم به‌شدت به سروش رفیعی وابسته است؛ بازیکنی که وقتی در زمین است، ریتم بازی شکل می‌گیرد و وقتی تعویض می‌شود، جریان مالکیت فرومی‌ریزد.

ایسن نقض باید همان نیم‌فصل اول ترمیم می‌شد. نشند نتیجه‌اش را در بازی‌هایی مثل فولاد، ملوان و خیبر دیدیم؛ جایی که با خروج یک نفر، میانه میدان به حریف واگذار شد. تیمی که می‌خواهد قهرمان شود، نباید به یک کلید وابسته باشد. اگر قفل فقط با یک کلید باز شود، دیر با زود همان کلید گم می‌شود.

در کنار ایسن ضعف تاکتیکی، برخی بازیکنان هم هنوز به سطح مطلوب نرسیده‌اند. بازگشت از مصدومیت‌های سنگین‌شان می‌خواهد. افت فنی را می‌توان دید اما افت را نباید با خیانت اشتباه گرفت. بحران فنی را باید فنی حل کرد، نه با بر چسب.



با آسیاب‌های بادی قدیمی حمله می‌کنند؛ دشمن فرضی می‌سازند و شمشیر در هوا می‌چرخانند.

پرسپولیس اگر همان ترکیب منسجم نیم‌فصل اول را باحداقل تغییر ادامه می‌داد، شاید امروز اینقدر آشفته به نظر نمی‌رسید. تغییر برای تغییر، نسخه در مان نیست. مربی باید بداند چه زمانی دستت به ترکیب بزند و چه زمانی به همان ستون‌های اصلی اعتماد کند.

از سوی دیگر، مدیریت باشگاه هم باید تکلیف را روشن کند. اگر قرار است اختیار با سرمربی باشد، باید کامل باشد. نمی‌شود مسؤولیت نتیجه را از سرمربی خواست اما فهرست او را با فشار بیرونی تغییر داد. تجربه فصل گذشته نشان داد دخالت‌های بیرونی چگونه هزینه می‌سازد.

■ **هنوز دیر نشده**

واقعیت این است که رقبا هم بی‌نقص نیستند. جدول لیگ آنقدر بسته و فشرده است که استقلال به دلیل صحبت‌های یکی نمی‌رسد. پرسپولیس شاید امروز در قامت یک قهرمان مقتدر نباشد اما از کورس جا نمانده.

شرط بازگشت روشن است؛ ثبات ترکیب، برهیز از تصمیم‌های هجانی، تقویت ذهنی تیم و مهم‌تر از همه، دوری از فضای مسموم شایعه.

اوسمار اگر می‌خواهد از این بیج سخت عبور کند، باید ساده‌تر فکر کند؛ به جای اختراع‌های لحظه‌ای، به همان اصولی برگردد که نیم‌فصل اول برایش نتیجه ساخت.

خوشایندی بانک شهر از «یوسفی‌زادایی» سخن گفت و حالا با وجود کنار کشیدن کامل آن فرد، باز عده‌ای همانند دن کیوشوت